

## چکیده:

جامعه انسانی تحول تدریجی سه نوع جنگ یا درگیری مسلحانه را شاهد بوده است جنگ های پیشانویس، نوین، و فرانوین که برخی آن را موج های اول، دوم، سوم جنگ نامیده اند. در هر یک از این دوره ها، اوصاف و مؤلفه های جنگ به ویژه تاکتیک ها و استراتژی ها، متفاوت و متحول شده و به تناسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی، نسخه ای خاص از آنها تبیین و مورد عمل قرار گرفته است. جنگ های فرانوین با تکیه بر فناوری نظامی با قصد خارج کردن انسان از میدان نبرد و جایگزینی آن با ماشین به ظاهر قربانیان انسانی جنگ را کاهش می دهد. اما این بازیگر جدید بدون احتیاط های مبتنی بر مسئولیت و عواقب حقوقی، حداکثر سطح از انسانها و اموال را در کمترین زمان ممکن منهدم می کند. مهمترین حوزه بشردوستانه ای که مورد توجه است، تأثیر سطح کشندگی تسلیحات بر رعایت اصول بشردوستانه حقوق درگیری های مسلحانه است. کاهش قربانیان درگیری، اساسی ترین هدفی است که حقوق بشردوستانه دنبال می کند و در صورتی این هدف محقق می گردد که موازین آن همگام با تحولات صنایع نظامی به ویژه در ساخت جنگ افزارهای نوین از یک سو و تحول در راهبردها و دکترین های ناظر بر روش بکارگیری سلاح در رزم و نحوه انجام عملیات جنگی تکامل یابد. هرچند حقوق بشردوستانه بین المللی در خصوص بسیاری از سلاح ها و ابزارهای جنگی مدرن فاقد قواعد، مقررات و معاهدات صریح است ولی از اصول بنیادینی همچون اصل تفکیک، اصل درد و رنج غیر ضرور، اصل منع ایراد خسارات گسترده و طولانی مدت به محیط زیست بهره مند است که قابلیت اعمال بر این جنگ ها را دارند و می توانند معیارهای خوبی برای ارزیابی مشروعیت سلاح ها به حساب آیند.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشردوستانه، جنگ های فرانوین، جنگ های نامتقارن، جنگ های بدون خون، سلاح

های غیر کشنده، فناوری نظامی

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه .....
۷	بخش اول: کلیات .....
۸	فصل اول: جنگ های فرا نوین .....
۱۰	گفتار اول: مفهوم جنگ های فرا نوین .....
۱۸	گفتار دوم: اوصاف و ویژگی های جنگ های فرا نوین .....
۲۲	گفتار سوم: انواع جنگ های فرانوین .....
۲۸	فصل دوم: جنگ های نامتقارن .....
۲۸	گفتار اول: مفهوم جنگ نامتقارن .....
۳۵	گفتار دوم: انواع جنگ نامتقارن .....
۴۱	فصل سوم: جنگ های بدون خون .....
۴۲	گفتار اول: مفهوم جنگ های بدون خون .....
۴۴	گفتار دوم: انواع سلاحهای غیر کشنده .....
۴۷	بخش دوم: حقوق بشر دوستانه و جنگ های فرانوین .....
۵۰	فصل اول: حقوق بشر دوستانه بین المللی .....
۵۰	گفتار اول: مفهوم حقوق بشر دوستانه بین المللی .....

گفتار دوم: حقوق بشر دوستانه و حرکت در جهت کنترل جنگ	۵۹
فصل دوم: فناوری نظامی در مخاصمات مسلحانه و حقوق بشر دوستانه	۶۹
گفتار اول: فناوری نظامی و مخاصمات مسلحانه	۶۹
گفتار دوم: فناوری نظامی و جایگاه آن در تحولات حقوق بشر دوستانه	۷۴
فصل سوم: ارزیابی پیامدهای جنگ های فرانوین از منظر حقوق بشر دوستانه	۸۴
گفتار اول: اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه بین المللی	۸۵
گفتار دوم: تسلیحات نظامی از منظر حقوق بشر دوستانه	۱۰۴
گفتار سوم: ملاحظات حقوق بشر دوستانه ناظر بر انواع جنگ ها	۱۲۳
نتیجه گیری	۱۵۶
منابع	۱۶۲

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.

## مقدمه:

بي شك يكي از تأسف بارترین پدیده های تاریخی بشر، پدیده ای به نام جنگ می باشد. مسئله ای که علی رغم اثرات مصیبت بار، همواره در تاریخ تمدن بشری به عنوان میهمانی ناخوانده خود را بر بشریت تحمیل نموده است. در حقیقت، صرف نظر از آن که جنگ را می توان معلول «دلایل گوناگونی دانست، در پی هر نبردی شاهد آثار وحشتناک جنگ هستیم» بی تردید، فجیع ترین و زشت ترین سوغات جنگ را باید کشتار انسان های بی شمار، خصوصاً غیرنظامیان بی گناهی دانست که قربانی خشونت بی دریغ جنگ می گردند.

بررسی تاریخچه جنگ های روی داده در سیر تمدن بشری، نشان دهنده آن است که تا دورانی نه چندان دور، این مسئله به ندرت مورد توجه قرار گرفته که در هر نبردی با جدا نمودن حساب سپاهیان دشمن از مردمان بی دفاع و غیرمسلح و خودداری از تعرض به دسته دوم، می توان مصایب جنگ را کاهش داده و ظاهر زشت آن را شکلی انسانی تر بخشید.

واقعیت آن است که بشریت، تنها در دو قرن اخیر بوده که با مطرح شدن مباحثی با عنوان حقوق بشردوستانه و توجه به لزوم انسانی تر شدن مخاصمات، تلاش هایی برای افزایش حمایت از غیرنظامیان در عرصه نبرد به عمل آورده است.

امروزه همراه با پیشرفت علم و فناوری، عرصه سلاحهای نظامی نیز دچار تغییرات شگرفی شده است. پیدایش نسل جدیدی از سلاح ها که از آن به عنوان یکی از آثار موج سوم و عصر فرانونین در عرصه نظامی یاد می کنند، مرهون همین پیشرفتهای می باشد. دقت و کارایی بالا از ویژگی های بارز این سلاح هاست که آن را از نسل های پیشین جنگ افزارها متمایز می کند. وقوع جنگ گواهی بر این است که جوامع هنوز به اندازه ی کافی از عقلانیت بهره نمی برند، به ویژه آنکه امروزه آغازگر جنگ ها، بیشتر دولت هایی هستند که خود را در اوج قله ی انسانیت می دانند و نظریه پردازی انسانی آنان برای سایر جوامع حد و حصری ندارد.

جنگ های فرانوین با جایگزینی فناوری به جای انسان قصد دارد اشرف مخلوقات را از صحنه ی جنگ دور کند، اما در نگاهی عمیق تر نمایانگر يك نگرانی وشوك سخت و بزرگ است. ورود رادیو، تانک و هواپیما به جنگ قبل از جنگ جهانی دوم و موشک های هسته ای پس از دومین جنگ جهانی، اگر نگوئیم جنگ های سنتی را به پایان برد، باید اعتراف کنیم که وضعیت آن را به کلی دگرگون کرد. وقوع این جنگ ها نشان می دهد که مجدداً يك نقطه عطف تاریخی در حال رخ دادن است. توسعه ریشه ای وگسترده وسایل حمل ونقل، ارتباطات، اطلاعات جنگ افزارهای هوشمند، حضور، پرقدرت و موثر رایانه ها در تصمیم سازی و تصمیم گیری نشانگر مواجهه ی مجدد انسان با شکل جدیدی از جنگ است که با اشکال سنتی و مدرن آن تفاوت های اساسی دارد. در جنگ فرانوین خشونت شکلی پیشرفته و متعالی گرفته و در پس پرده تکنولوژی و نظریه های انسان دوستانه پنهان شده است. و برخلاف صورت های قدیمی جنگ، جنگ فرانوین مرگ انسانها و خشونت را خفیف میکند و آن را از معرض دید دور می سازد و از ذهن بیرون می کند.

جامعه انسانی تحول تدریجی سه نوع جنگ یا درگیری مسلحانه را شاهد بوده است، جنگ های پیشانوین، نوین، و فرانوین که برخی آن را موج های اول، دوم، سوم جنگ نامیده اند. در هر يك از این دوره ها، اوصاف و مؤلفه های جنگ به ویژه تاکتیک ها و استراتژی ها، متفاوت و متحول شده و به تناسب اوضاع و احوال زمانی و مکانی، نسخه ای خاص از آنها تبیین و مورد عمل قرار گرفته است. ضمن اینکه گذار از هر دوره، الزاماً به معنای صرفنظر کردن از میراث گذشته و خلق پدیدارها و الزامات کاملاً نوین نبوده بلکه ترکیبی از میراث های قابل اعمال در دوره های جدید و ابداع روشها و ابزارهای مناسب شرایط نوین، در دستور کار قرار گرفته است.

با اینکه به همت حقوق بین الملل توسل به زور، جنگ به مثابه بارزترین نماد از تهدید صلح و امنیت در روابط بین المللی، تحت قاعده درآمده و مشروعیت بین المللی آن نیز امری استثنایی شده، اما مبانی و عوامل انگیزشی و بروز جنگ، چنان فراگیر و پیچیده است که به صرف وجود این قواعد نمی توان جهان عاری از جنگ را محقق ساخت. به همین دلیل است که حقوق بشردوستانه با درک همین امر به عنوان امری غیرقابل اجتناب، درصدد برآمده تا نوع و سطح رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران در طول جنگ را سامان داده و به صورتی محدود کنترل نماید که مقتضیات انسانی و کرامت بشری تحت الشعاع نبرد و رفتارهای خصمانه و خشونت های جنگی قرار نگیرد.

در حقوق بین الملل عام معاهداتی وجود دارند که رعایت اصولی را در مخاصمات مسلحانه مقرر داشته اند. اکثر قواعد مندرج در این معاهدات یا پیش از انعقاد معاهدات مزبور به صورت عرفی وجود داشته یا اینکه پس از تدوین، جنبه عرفی پیدا کرده و حتی برخی از آنها به سطح قاعده امره اعتلاء یافته اند. از جمله مهمترین این قواعد، اصول مندرج در پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو است که متضمن قواعدی در زمینه به کارگیری سلاح های مختلف در مخاصمات مسلحانه می باشند. مطابق این اصول، وارد آوردن صدمات مضاعف و درد و رنج غیرضروری به نیروهای دشمن، عدم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان و وارد آوردن صدمات شدید، طولانی مدت و گسترده به محیط زیست منع شده است. همچنین مطابق این قواعد دولت ها موظفند در هنگام توسعه سلاح های جدید درباره منطبق بودن آنها با اصول ناظر بر استفاده از سلاح ها دقت لازم را به عمل آورند. به این ترتیب رعایت اصول مزبور در مورد کلیه سلاح ها ضروری است. بدین معنی که دولت های سازنده یا به کارگیرنده جنگ افزارهای مذکور باید بررسی کنند که آثاری که از این سلاح ها برجا می ماند با اصول حاکم بر حقوق بشردوستانه که در بالا بدان اشاره شد سازگاری داشته باشند. حقوق بشردوستانه



نیز در صورتی به هدف خود خواهد رسید که وضعیت جنگ را درک نموده و با در نظر گرفتن ابعاد و جهات آن، قاعده سازی نموده و متحول گردد. در واقع حقوق حاکم بر جنگ، در صورتی توفیق خواهد داشت که علوم و اندیشه های ناظر بر جنگ را مدنظر داشته، در غیر این صورت برای نیروهای نظامی که تابعان مستقیم این قواعد هستند، غیر قابل قبول نمی نمایند. کارائی و اثر بخشی حقوق بشردوستانه مستلزم این است که اولاً قواعد موجود در تطبیق بر مصادیق، مجرائی روشن داشته باشند و تکرار وقایع سنتی مورد نظر حقوق بشردوستانه راتحت پوشش قرار دهند. ثانیاً جزئیات و مصادیق جدید همان جنگ های گذشته را نیز در چارچوب حاکمیت قانون، ضابطه مند سازند. ثالثاً با پیگیری روندی تکاملی، حکم آنچه را که در گذشته قابل تصور نبوده و در شرایط حاضر قابل وقوع شده و یا در دورنمای آینده قابل وقوع است، تبیین نماید.

یکی از تطورات مرتبط با حقوق جنگ ظهور مباحث گسترده جنگ های نامتقارن است. جنگ نامتقارن، بر پایه اختلاف فاحش و فرآیند توانمندی های متعارف نظامی طرف های متخاصم در درگیری های مسلحانه (اعم از داخلی و بین المللی) استوار است و در این چارچوب است که با تکیه بر ضعف های یک طرف و نقاط قوت طرف دیگر، درگیری مسلحانه شکل می گیرد. و در نتیجه آن طرف ضعیف تلاش می کند تا ضریب به کارگیری توانمندیها و همچنین ضریب شناخت و سنجش آسیب پذیری های خود و دشمن را در سطح بالا نگه دارد. از دیدی دیگر، بازیگران قدرتمند در جنگها علاقه کمتری به پیروزی دارند، چرا که موجودیتشان در خطر نیست. اما بازیگران ضعیف، منافع و علاقه بیشتری به پیروزی دارند، زیرا تنها پیروزی است که موجودیت و بقای آنها را تضمین می کند. در کنار تحلیل های مختلف از جنگ های نامتقارن در مطالعات امنیتی، دیدگاههای حقوقی متفاوتی در این خصوص وجود دارد و تفاوت برداشت های مذکور به طرز تلقی از اوصاف و آثار این نوع درگیریهای مسلحانه بستگی تام دارد. چرا

که حقوق بین الملل بدون اینکه پویایی اندیشه های نظامی را منع یا محدود نماید تنها به سازماندهی آنها اکتفا می کند و از این حیث، حقوق بشردوستانه جنگ نیز غالباً محدود به نتایج و آثار درگیری است و از این حیث، جنگ نامتقارن و هر جنگ دیگر فرانونین را در قالب تصوراتی که در خصوص نتایج آن وجود دارد، مورد ارزیابی قرار می دهد.

جنگ های بدون خونریزی یا غیرکشنده، با تکیه بر فناوریهای روز و تحولات در صنایع نظامی یعنی نوع جنگ افزارهای جدید و بعضاً هوشمند مدعی هستند که جنگ می تواند نه تنها قربانیان غیرنظامی جنگ های پیشین را مصون دارد بلکه حتی در صورت لزوم، رزمندگان را نیز از پیامدهایی که موجب ضرب و جرح یا مرگ آنان می گردد، در امان قرار دهد. این نظریه تا حدودی پیشروتر از حقوق بشردوستانه است. چراکه حقوق بشردوستانه با ضوابطی ناظر بر تفکیک رزمنده از غیر رزمنده، حمله به غیرنظامیان یا کسانی که در درگیری شرکت ندارند را منع می کند اما به حمله متعارف به رزمندگان به عنوان امری طبیعی و ناشی از خصلت نبرد و رزم می نگرد بدون آنکه این اقدامات را منع نماید، تنها سطح رفتار خصمانه و شدت عملیات جنگی را به حدی که «مقتضای انسانی شدن جنگ» می خواند، کاهش می دهد و طرفهای نبرد را به رعایت این آستانه، ملزم و متعهد می سازد. جنگ های بدون خون، در صدد است تا پیامدهای جنگ را به کسب پیروزی در نبرد بدون کمترین صدمه جسمی تقلیل دهد.

### سؤال اصلی:

آیا حقوق بشردوستانه موجود برای انسانی کردن جنگ های فرانونین که اغلب در زمان خلق قواعد حقوق بشردوستانه قابل پیش بینی نبوده اند از ظرفیت کافی برخوردار است؟

### فرضیه تحقیق:

حقوق بشردوستانه معاصر تنها متناسب با درگیری های پیشانویین و نوین طراحی شده ولی با این حال، اصول کلی بشر دوستی در درگیریهای مسلحانه همان چارچوب های کلان (تفکیک،

ضرورت نظامی و تناسب، منع درد و رنج غیرضروری و حرمت بیطرفی) در جنگ های فرانویین قابل اعمالند.

### **روش تحقیق:**

برای انجام این پژوهش از روش کتابخانه ای و تحلیلی استفاده شده است. و پژوهش های حقوقی دیگر محققان به عنوان منابع تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند. و همچنین از کتابخانه های دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، دانشگاه امام حسین(ع)، کتابخانه حقوقی شهر دانش و... در حد بضاعت علمی بهره کافی برده شده است.

### **هدف تحقیق:**

در این تحقیق سعی شده تا جایگاه حقوق بشردوستانه بین المللی را با تحولات فن آوری نظامی روز، مشخص نموده، و همچنین به بررسی ابعاد حقوقی جنگ های فرانویین، از لحاظ تطابق با موازین حقوق بشردوستانه مورد بررسی قرار داده و با شناخت جایگاه جنگ های نامتقارن و بدون خون در حقوق بشردوستانه، گامی به سمت توسعه حقوق بین المللی، برداشت.

### **اهمیت تحقیق:**

شناسایی حوزه های توسعه یافته حقوق بین الملل(که حقوق بشردوستانه بین المللی از جمله توسعه یافته ترین آنهاست) علل و عوامل موثر در آن، می تواند روشها و جهت گیری های توسعه گرایی قواعد مربوطه را نمایان سازد.

### **سازماندهی تحقیق:**

این تحقیق در دو بخش تنظیم شده، که بخش اول کلیات، شامل سه فصل می باشد. فصل اول جنگ های فرانویین، فصل دوم جنگ های نامتقارن و فصل سوم به بررسی جنگ های بدون خون می پردازد.

بخش دوم حقوق بشردوستانه و جنگ های فرانونین شامل سه فصل می باشد فصل اول حقوق بشردوستانه بین المللی، فصل دوم فناوری نظامی در مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه و فصل سوم ارزیابی پیامدهای جنگ های فرانونین از منظر حقوق بشردوستانه بررسی شده است.

**بخش اول:**

**کلیات**

## فصل اول: جنگ های فرا نوین

اشتیاق بیش از حدی که در چند صد ساله ی اخیر نسبت به نامگذاری انواع جدید جنگ پدید آمده دارای مبنای منطقی است، زیرا به نظرمی رسد که تحولات عرصه ی جنگ شتاب بی سابقه ای به خود گرفته و در عین حال قدرت ویرانگری جنگ های جدید نیز تازگی دارد، القاب و عناوین ممکن است گمراه کننده باشند، اما در عین حال از اهمیت شایانی برخوردارند. اینکه مثلاً جنگ خلیج فارس را باید گونه ای تازه از جنگ در نظر گرفت یا دنباله ی همان انواع قدیم از دایره ی مباحث دانشگاهی فراتر رفته است.

نشریه بیزنس ویک (Business week) در این رابطه با لحنی حق به جانب می نویسد «جنگ خلیج فارس بی شک در حکم مرحله ی گذار بین دو نوع جنگ متفاوت است» و در ادامه به تبیین عناصری می پردازد که به زعم خودش از مهم ترین ویژگی های این «جنگ جدید» به شمار می روند. ۱- مشارکت سیستم های متکی به فناوری عالی ۲- به کارگیری لشگری از سیستم های رایانه ای و ارتباطی گوناگون ۳- فهم این واقعیت که «سیاست و روابط عمومی نقشی حساس را در تحقق اهداف نظامی ایفا می کنند»<sup>۱</sup>

اما ویژگی هایی با این دست تازگی ندارد. در جنگ ویتنام هم شرایط به همین منوال بود. البته در اینکه جنگ کویت بستر جدیدی را (البته با توسل به خشونت بی سابقه) فراهم آورد تردیدی

---

<sup>۱</sup>. کریس هیبلز گری، جنگ پست مدرن سیاست نوین درگیری، ترجمه احمد رضا تقاء، تهران، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۱ص ۴۰

نیست، اما در نیمه دوم قرن حاضر معلوم گردیده که جنگ در حال تغییری بنیادین است. ناظران آگاه تر تبعات استفاده از جنگ افزارهای متکی به فناوری عالی و به خصوص رایانه را در خلال جنگ و بسیج نظامی پایداری که از سال ۱۹۴۵ تاکنون برقرار است مدنظر قرار داده اند. آنان نامهای مختلفی را برای این نوع جدید از جنگ برگزیده اند، از جمله جنگ مداوم، جنگ فناوری، جنگ متکی به فناوری عالی یا جنگ فناورانه، جنگ کامل، جنگ جنایی، جنگ رایانه ای، جنگ پایان ناپذیر، جنگ سیبرنتیک، جنگ فوق مدرن، جنگ فراواقعی، جنگ اطلاعات، جنگ محض، جنگ فرانوین.

آنچه هم اکنون جنگ را متفاوت ساخته و برای مقولاتی نظیر فناوری عالی و رایانه و داشتن سرعت برق آسا و علم و سیبرنتیک، بهره برداری نظامی از اطلاعات است. جنگ های فرانوین عنوانی است برای بیان جنگ هایی که در اثر ادغام و ترکیب فناوری های فوق پیشرفته نظامی با اهداف و سیاست های نظامی، ایجاد شده و نمود یافته است.

ترجیح جنگ فرانوین بر دیگر عناوین رایج دلیل قانع کننده ای دارد. لفظ جنگ مدرن را بیش تر و وقایع نگاران نظامی معمولاً در اشاره به مقطعی به کار می گیرند که از دهه نخست ۱۵۰۰ میلادی شروع می شود و تا اواسط یا اواخر قرن بیستم ادامه پیدا میکند. پیداست که منطق و فرهنگ جنگ مدرن در خلال جنگ جهانی دوم تغییرات محسوسی پیدا کرد. گرچه نوع تازه ی جنگ با جنگ مدرن بی ارتباط نیست، ولی تفاوتش آنقدر هست که عنوان «فرانوین» براننده ی آن باشد. ما از سال ۱۹۴۵ تاکنون در دوران جنگ فرانوین به سر می بریم و جنگ های سرد از اجزای تفکیک ناپذیر این دوران به حساب می آیند.<sup>۲</sup>

---

۲. کریس هیبلز گری، منبع پیشین، ص ۴۳

## گفتار اول: مفهوم جنگ های فرا نوین

ماهیت این جنگ ها، ترکیب فناوری و احساس در قالب زبان پسا نوینسم است که جلوه هایی جذاب از رفتارهای متکی به نتایج پیشرفته ترین علوم و فناوری ها را ارائه می نماید و در پهنه خارج کردن انسان از میدان جنگ و جایگزین آن با ماشین، به ظاهر قربانیان انسانی جنگ را کاهش می دهد اما به واقع، رابطه انسان – انسان در نبرد را به ماشین – انسان و یا ماشین – ماشین تبدیل می نماید که این بازیگر جدید بدون احتیاط های رفتاری مبتنی بر اصول مسئولیت انسانی و عواقب حقوقی، حداکثر سطح از انسانها و اموال را در کمترین زمان ممکن، منهدم می نماید.<sup>۳</sup>

جنگ را می توان با توجه به شاخص های متعدد، دسته بندی نموده از حیث تحول تاریخی و باتمرکز بر سطح توسعه یافتگی جنگ افزارها یا تنوع جنگ ها از حیث انواع متفاوت ابزارهای جنگی، سه دوره متمایز را می توان مدنظر قرار داد: جنگ های پیشا نوین (موج اولی)، نوین (موج دومی)، فرانوین (موج سومی)

### بند اول) جنگهای پیشانویین یا موج اولی:

ساموئل گریفیت (Samule. B. Griffith) در مقدمه ای به کتاب «هنر جنگ» سن تزو (Sun- Tzu) در خصوص سبک و سیاق ارتشها و جنگهای موج اولی بیان می دارد: «مسایل دریک روز فیصله می یافت. البته شهرها محاصره می شد و گاهی برای مدت طولانی نیز نیروها در میدان جنگ نگاه داشته می شدند.» جنگ، جنگ تن به تن و با نهایت شقاوت و سنگدلی صورت می گرفت. نیروی عضلانی نیروهای طرفین تخاصم نقش مهمی در پیروزی ایفا می کرد. کشتار با قاعده و معقول بود و برای محدودیتهای موجود احساسات فتوت و جوانمردی در میدانهای نبرد حاکم بود. در این عصر سلاحها نیز مثل ابزار کار روی زمین

<sup>۳</sup>. نادر ساعد، حقوق بشردوستانه و مسائل نوظهور (جنگ های پسانوین)، تهران، خرسندی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹.

(کشاورزی) استاندارد نبودند. کاردستی زراعی خود را به صورت جنگ تن به تن منعکس می ساخت. به رغم استفاده محدود از سلاحهای برتر مثل قلاب سنگ، کمان زنبورکی، فلاخن و توپ اولیه طی هزاران سال شیوة اساسی جنگ، مستلزم کشتار رو در رو بود و سربازان مسلح به سلاحهایی چون نیزه دسته چوبی و شمشیر، تبر زوبین و دژکوب، به نیروی عضلانی خویش متکی بودند و همه اینها برای پیکار از نزدیک، طراحی شده بودند.<sup>۴</sup>

آثار ناشی از جنگهای رو در رو و متکی به نیروی بدنی تلفات محدودی به همراه داشت. چنانچه در تاریخ جنگهای باستان ملاحظه می شود کشتار انبوه که به صورت دسته جمعی صورت بگیرد، نادر بود و به فرض تحقق آن، نه ناشی از کاربرد تسلیحات کشتار جمعی یا پیشرفته، بلکه ناشی از شیوة جنگی چون؛ محاصره و غرق کردن بلم ها و غیره بود. به همین خاطر مجموعه اقدامات اولیه در راستای انسانی تر کردن مخاصمات به کاهش بهانه های توسل به زور و نیز تعدیل در شیوه های جنگی است. فلذا با این که فناوری ابتدایی در خدمت جنگ می باشد، کاربرد آن معقول و طبیعی قلمداد می شود، چون جنگ، آن هم از نوع عادلانه و با سبک و سیاق رعایت اصول فتوت و مردانگی امری رایج و اجتناب ناپذیر تلقی می شد.<sup>۵</sup>

در قرنهای گذشته (عصر جنگهای موج اولی) شرایط مختلفی در جهت اجرای محدودیتهای حقوق بشر دوستانه در هدایت و راهبری جنگ فراهم بوده که عبارتند از:

اول: از آنجا که قواعد رویه های موجود را منعکس می کردند، اعمال آن قواعد در عمل مشکل نبود، چرا که تلاشها محدود به کنترل افرادی می شد که در اجتماع خود متفاوت از دیگران عمل می کردند تا در جهت صحیح باقی بمانند. مفاهیم شرافت (جوانمردی) نه تنها مانع چپاول شهرها بعد از تسلیم می شد، بلکه برخی از قواعد مربوط به رفتار با دیگر رزمندگان را نیز تحمیل می کرد.

<sup>۴</sup>. الوین و هایدی تافلر، جنگ و پاد جنگ، ترجمه مهدی بشارت، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۴۵

<sup>۵</sup>. karl. A Kaszuba. op ,cit



دومین عاملی که اجرای حقوق بشردوستانه را تشویق می‌کرد، راحتی اعمال قواعد آنها بود تا آنجا که رویه جاری در قرن گذشته آنرا امکان‌پذیر می‌ساخت.

سومین عامل، فقدان انزجار از دشمن یا فقدان مطلوبیت انتقام شخصی بود، که آشکارا به جلوگیری از وقوع فجایع از هر نوع کمک می‌کرد.<sup>۶</sup> فقدان انزجاری که خود به نوعی ناشی از فقدان تسلیحات پیشرفته، کشندگی انبوه (همچون مواد منفجره، سمی یا هدفگیری دقیق) بود که اصل فتوت و جوانمردی را خدشه دار نمی‌ساخت. فلذا در این برهه از تاریخ اهمیت حقوق بشردوستانه در همان حد رعایت اخلاق عمومی و رویه‌های حاکم بر منازعات انسانی بود، و نیازی به توسعه و تضمین آنها احساس نمی‌شد. تاریخ جنگ‌های داخلی اروپا از قرن‌ها پیش (از آداب و رسوم دلاوری تا قوانین حقوق لاهه و کنوانسیون‌های ژنو) بر اساس تقارن، شکل گرفته بود. تقارن، در این زمینه به معنای تقسیم عادلانه امکان‌کشتن و کشته‌شدن است. بر این اساس جنگ‌های اروپایی از اواسط قرن هفده تا اوایل قرن بیستم همگی در ذات خود جنگ‌های متقارن بوده‌اند.<sup>۷</sup>

### بند دوم) جنگ‌های نوین یا موج دوم

پس از انقلاب کشاورزی، انقلاب صنعتی دومین موج تحول تاریخی را به راه انداخت. درست همانگونه که تولید انبوه اصل محوری اقتصادهای صنعتی بود نابودی انبوه نیز به اصل محوری جنگ در عصر صنعت تبدیل شد. نابودی انبوه، نشان شاخص جنگ موج دوم باقی ماند. تولید انبوه که در سده ۱۶ میلادی آغاز شده بود با قشون‌گیری انبوه همراه بود.<sup>۸</sup>

<sup>۶</sup> لویییس دوسوالد بک «اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی در جنگ‌های آینده» ترجمه و نگارش حسین شریفی طراز کوهی، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۳۲-۳۳/ ۱۳۷۹ صص ۸۹-۹۰

<sup>۷</sup> هر فرید مونکلر «حمله بهترین دفاع؟ دکترین‌های امنیتی در مجموعه نامتقارن» مجموعه مقالات، ترجمه بهزاد احمدی، موسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۱

<sup>۸</sup> الوین وهایدی، تافلر، ماخذ پیشین/ص ۴۷

و بنا به بیان آقای پالمِر (R. R. Palmer) «موجی از نوآوری در جنگ، انقلابی پدید آورد. جنگ محدود نظام گذشته را با جنگ نامحدود دوره های بعد جایگزین ساخت، پیش از انقلاب فرانسه، جنگ در اصل، برخوردی میان حکام، پس از آن رویداد، بیش از پیش به برخورد میان مردمان تبدیل شد.»<sup>۹</sup> نمایشی ترین تحولاتی که در جنگ رخ داد، محصول تسلیحاتی استاندارد جدیدی بود که امروزه با روشهای تولید انبوه ساخته می شوند. بدین ترتیب دگرگون سازی جنگ با صنعت به مراتب از سطح تکنولوژی صرف، فراتر رفت و سطح سازماندهی و تشکیلات ارتشها را هم دگرگون ساخت.<sup>۱۰</sup>

جنگ جهانی دوم، پتانسیل وحشتناکی برای صنعتی کردن مرگ از خود نشان داد. گردانندگان جنگ چیزی را بوجود آوردند که در واقع خط تولید مرگ بود، خود این جنگ به کشتار فجیع ۱۵ میلیون سرباز از تمامی کشورهای درگیر و ۳۰ میلیون غیرنظامی انجامید.

اندکی قبل از انفجار نخستین بمب اتمی در هیروشیما طی جنگ جهانی دوم، امریکا با یک نیروی عظیم و غیراتمی مرکب از ۱۵۰۰ هواپیما (B. ۲۶) شهر توکیو پایتخت ژاپن را در هم کوبید که نیمی از شهر تخریب و ۳۰۰/۰۰۰ هزار نفر کشته و مجروح شدند. مشابه این حمله را شوروی سابق با ریختن یک گلوله باران مرگبار ۲۴ ساعته بوسیله ۲۰/۰۰۰ عراده توپ در برلن انجام داد.<sup>۱۱</sup>

فناوری نظامی که محصول صنعتی شدن جوامع بود با استراتژی جنگ تام و تمام عیار در هم آمیخت و در عمل تمایز میان هدفهای نظامی و غیرنظامی را محو کرد. از آنجا که فرض بر این بود هر چیزی که تلاش در راه جنگ تمام عیار کمک می کند، پس از انبارهای سلاح تا مسکن کارگران و از مخازن مهمات تا مخازن سوخت و گندم ها اهدافی مشروع به شمار می

<sup>۹</sup> . به نقل از کتاب «جنگ و پاد جنگ» تافلرها، ماخذپیشین، ص ۴۸

<sup>۱۰</sup> . منبع پیشین

<sup>۱۱</sup> . فرامرز برزگر، خلع سلاح، تهران، مروارید، ۱۳۵۲ ص ۱۱

آمد. به محض اینکه صنعت به اوج خود رسید، نابودی انبوه در آموزشهای نظامی همان نقش مرکزی را یافت که تولید انبوه در علم اقتصاد داشت.<sup>۱۲</sup>

شبح مرگبار حاصل تولید انبوه بود. در طول جنگهای تمام عیار که نماد بارز آن جنگهای اول و دوم جهانی هستند جایگاه حقوق بشردوستانه در سطح وسیعی تضعیف شد (هرچند دربرخی از زمانها «جنگ جهانی دوم» در خصوص کاربرد برخی از سلاحهای خاص «شیمیایی و میکروبی» تا حدودی خویشتن داری صورت گرفت)، ماهیت حقوق بشردوستانه، در گیرودار قدرت آتش انبوه و هدف گیری های کورکورانه به شدت آسیب دید. علیرغم دهشتی جنگهای این عصر که اصطلاحاتی چون کشتار جمعی و انهدام فراگیر و تخریب گسترده را به علت حجم نابودی و ویرانی به همراه داشت، ولی همین آثار خونبار و وحشتناک توسعه تسلیحات و فناوری های نظامی و جدان خاموش بشریت را جرقه ای دوباره زد و باعث تدوین قواعدی در خصوص حقوق بشردوستانه گردید. سطح قواعد و مقررات موجود این عصر (جنگهای تمام عیار) اکثراً حمایتی و بیشتر بر منع کاربرد تسلیحات خاص در میدان نبرد توسط نظامیان تاکید دارند. به عبارتی سطح هنجار سازی ها، نظر به آثار مشهود سلاحها در میدان نبرد به همین حیثه (میدان جنگ) محدود می شد.

با ظهور سلاحهای اتمی و کاربرد عملی آنها در اواخر جنگ جهانی دوم و توجه افکار عمومی بعد از جنگ به آثار ویرانی های باقی مانده از بمبارانهای غیر عاقلانه شهرها توسط متخصصین و مضاف بر آنها حاکمیت سایه وحشت ناشی از جنگ سرد حاکم بر روابط بین المللی تابعان حقوق بین الملل به خصوص سازمان ملل متحد را به سمت قاعده مندی امور بشردوستانه در سطح نهادهای تصمیم گیر حاکمیت و نیز از زمان جنگ به زمان صلح سوق داد.

---

<sup>۱۲</sup>. الوین وهابدی تافلر، ماخذ پیشین، ص ۴۶

در سراسر دوران جنگ سرد و دهه های بعد از آن کنوانسیون های منع تولید، انباشت، کاربرد و الزام به انهدام تسلیحات ممنوعه رونق گرفت. دولت‌ها در طول سال‌های حاکمیت صلح نسبی بر روابط بین الملل، اقدام به تدوین قواعد ناظر بر تسلیحات نمودند، که به نوعی اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی تلقی می‌شد.

تلاش برای ممنوعیت توسل به زور در عمل راه به جایی نبرد و کماکان وجود جنگ در آستانه قرن بیست و یکم نیز امری عادی تلقی می‌شود.<sup>۱۳</sup>

در این عصر (جنگ‌های موج دوم) بهترین گزینه توسل به راه کارهایی بود که احتمال آغاز جنگ را کاهش می‌داد. (خلع سلاح و کنترل تسلیحات) یا در صورت وقوع جنگ مشروع (دفاع مشروع، اقدامات دسته جمعی آن بنا به دلایلی که حتی در منشور ملل متحد پیش بینی شده)<sup>۱۴</sup> اثرات مخرب آنرا محدود و قاعده مند نمود.

مسئله خلع سلاح از سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۳ دقیقاً پس از جنگ جهانی اول به مدت ۱۲ سال در صدر مقاصد و فعالیت‌های جامعه ملل قرار داشت. برابر ماده ۸ میثاق کاهش تسلیحات نظامی بایستی در کلیه جهان اجرا گردد.<sup>۱۵</sup>

به علت تحقق نیافتن اهداف خلع سلاح و جایگزینی مسابقه تسلیحاتی قبل از جنگ جهانی دوم عاملی بود که فاجعه جنگ جهانی دوم را اجتناب ناپذیر کرد.<sup>۱۶</sup> اصول خلع سلاح و تقلیل تدریجی آن در میثاق جامعه ملل مکان مهمی را داشته، زیرا حیات و بقا جامعه بشریت بستگی کامل به کنترل و تقلیل تسلیحات در جهان دارد.<sup>۱۷</sup> موضوع با تأکید بر اهمیت موضوع با ارائه راهکار عملی و اجرایی در ماده ۱۱ منشور ملل متحد چنین بیان شد:

<sup>۱۳</sup> ایان برانلی، حقوق بین الملل در اوایل قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، تهران، دفتر خدمات حقوق ج ۱۳۸۳، ۱۱، ص ۵۷

<sup>۱۴</sup> مواد ۴۲ و ۵۱ منشور سازمان ملل متحد

<sup>۱۵</sup> بند ۱ ماده ۸ میثاق جامعه ملل «اعضا جامعه ملل باید تصدیق کنند که حفظ صلح، تقلیل تجهیزات نظامی را ایجاب می‌کند.

»

<sup>۱۶</sup> عبد المجید قائم مقام فراهانی، حقوق سازمان‌های بین المللی، تهران، دادگستر، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲

<sup>۱۷</sup> منبع پیشین